

جیمز هلمز جوانی که جامعه جهانی را تکان داد

m.rad@gmx.net

حادثه کشتار کلرادو بحران هویتی یا تنش اجتماعی عمیق در جامعه بحران زده آمریکا

جیمز ایگن هلمز (James Eagan Holmes) جوان 24 ساله سفید پوست آمریکایی شاگرد ممتاز دانشگاه متولد 13 دسامبر 1987 متهم بقتل 12 نفر و زخمی کردن 50 نفر در یک سینماتانتر در شهر آورورا (Aurora) در کلرادوی آمریکا است. این حادثه در تاریخ 20 ژولای 2012 اتفاق افتاد که مثل توفان سهمگین جامعه آمریکا را یکسره بلرزه در آورد. تا جایی که تمامی خبر گزارها طی چند روز گذشته با آب و تاب فراوان به این مسئله پرداختند که نشان میدهد چقدر مسئولیت سیستم آمریکا از چنین حوادثی در این کشور وحشت دارند جامعه ای که به ادعای آنها برای دیگر کشورهای جهان مدل و ایدنال است.

حادثه که در کلرادو اتفاق افتاد چندان عجیب و غریب بنظر نمیرسد چون سالیانه هزاران نفر در گوشه و کنار این کشور مسلحانه و غیر مسلحانه کشته میشوند و همواره کوشش شده بود آنها را به مجرمین بالفطره نسبت دهند که اساسا مجرم زاده شده و جای آنها یا در زندان است و یا در گوشه و کنار خیابانها که تعداد آنها در سال گذشته از مرز 45 میلیون نفر هم گذشته است کشوری که بیش از دومیون و نیم زندانی دارد و بهمین اندازه هم در نوبت ایستاده اند تا با اتهامات مختلف از جمله ورود غیر قانونی به کشور و یا بجرم سیاه پوست بودن که در جامعه آمریکا بشدت مورد تحقیر قرار دارند و هر خلاقی که در جامعه صورت گیرد انگشت اتهام بسوی آنها نشانه می رود دوران زندان را که مصادف با پایان یک زندگی با امنیت اجتماعی است سپری کنند.

90% زندانیان آمریکا را سیاه پوستان و آمریکای لاتینی ها تشکیل میدهند و تنها 10% سفید پوست هستند. این شوک آنهم از طرف یک تحصیل کرده بر جسته معلوم است که سران حکومت آمریکا را در منگنه قرار داده است و ترس از آن دارد که نکند این نوع وقایع در سراسر آمریکا تکرار شود و جامعه را به آشوب بکشاند.

سال گذشته در همین موقع حادثه ای شبیه آن در شهر اسلو نروژ اتفاق افتاد که اروپا را شوکه کرده بود ولی باز تاب آن به اندازه حادثه آورورا کلرادوی آمریکا نبود تا جایی که باراک اوباما مسافرت خود را نیمه تمام گذاشته و تحت عنوان اینکه قصد همدردی با خانواده های قربانیان را دارد چند ساعتی وارد این شهر شد که خود نشانه تاثیر غیر قابل انکار شکستگی سیستم آمریکاست که در آن میلیونها نفر مسلح به انواع سلاحها سالیانه صدها نفر را تحت عنوان دفاع از خود با اسلحه می کشند که بخشی از آنها شامل اعضاء خانواده خودشان میشود جالب این است که قانون هم همواره طرف استفاده کنندگان اسلحه را میگیرد.

جیمز در شهر سان دیگو متولد شد و در سال 2006 بعنوان شاگرد ممتاز دبیرستان را پبایان رساند و در سال 2010 تحصیلات دانشگاهی خود را با نمره عالی یا شاگرد ممتاز در دانشگاه کالی فرمیا (University of California) در شهر ریور ساید (Riverside) با موفقیت کامل پشت سر گذاشت.

در ژوئن 2011 در دانشگاه کلرادو تحت عنوان دکترای بر نامه ریزی ثبت نام کرد و به ادعای این دانشگاه مدتی بعد با قرمز کردن رنگ موی خود دانشگاه را ترک کرد این گزارشی است که پلیس ادعا میکند از طریق مسئولان دانشگاه دریافت کرده است که البته جای سؤال فراوان دارد که چرا این مسئله اینقدر برای مسئولان این دانشگاه مهم بوده که بلادرنگ آنها را به دیارتمان پلیس استان کتبی گزارش کرده اند آیا سیستم پلیسی آمریکا همه مسئولان را وادار به کنترل افراد کرده و غیر مستقیم آنها را اجبارا وادار به همکاری با سیستم امنیتی کرده است که حتما چنین است وگرنه بر طبق گزارش پلیس جیمز فقط یک تخلف رانندگی داشته که نشان میدهد سرعت مجاز را رعایت نکرده است.

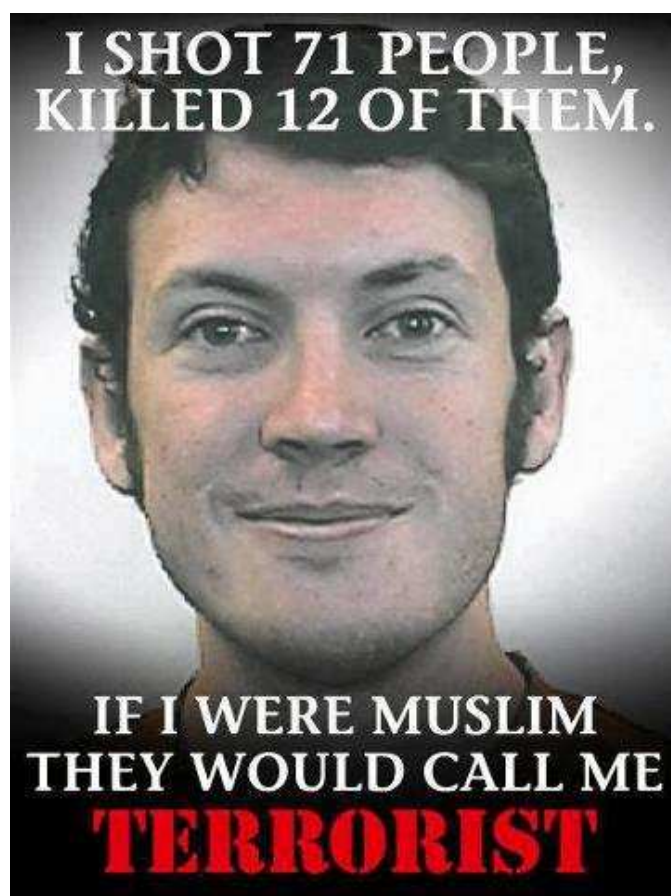
پلیس ادعا میکند که جیمز دوماه قبل چهار قبضه اسلحه به‌مراه 6000 فشنگ خریداری کرده که یکی از اسلحه‌ها نیمه‌خودکار بوده گزارش پلیس نشان می‌دهد که جیمز در شروع قسمت دوم فیلم که نامش **طلوع شب تاریک** بوده شروع به تیر اندازی کرده و موجب حادثه‌ای شده است که حیثیت و اعتبار آمریکا را بر باد داده است.

این مسئله آنقدر برای حاکمین آمریکا از اهمیت برخوردار بوده که تنها پس از سه روز جیمز را بدادگاه کشانده و اولین جلسه محاکمه او را بر گزار کردند آنهم در شرایطی که چهره جیمز نشان می‌داد چه بلایی طی این سه روز بر سرش آورده اند تا جایی که در خود دادگاه عکسهای کشته شده گان و مجروحان را به اتفاق خانواده‌های آنها عمداً برای فشار بیشتر روحی برای تأثیر گذاری در جامعه آمریکا در جلو او قرار داده بودند. از عکسهای دادگاه اینطور استنباط می‌شود که جیمز بسیار عصبی است خبر گزاریها از ارتعاش دائمی بدن جیمز گزارش کرده اند ضمن آنکه مدام بیک نقطه خیره شده و توجهی به عکسها نکرده است.

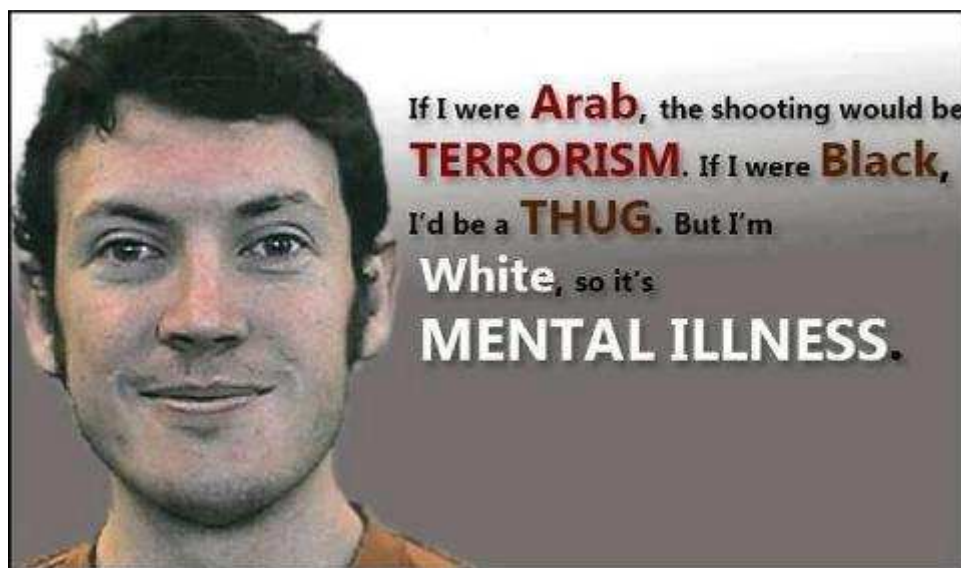
به عکسها، نوشته‌ها و ترجمه مطالب روی آن کمی مکس کنید تا دریابید جامعه آمریکا به چه منجلابی گرفتار آمده است و چگونه مردم این کشور بر علیه دیگر ملیتها و کشورها تحریک میشوند تا جنایات خود را در چه در داخل آمریکا و چه در خارج آن توجیح کند. شوکی که سینما تئاتر در کلرادو در جامعه آمریکا ایجاد کرده هرچه را که سیستم پلیسی نظامی آمریکا ریسیده بود پنبه کرده و سالها طول خواهد کشید و شاید هم بسیار دیر شده باشد که بشود مردم را دوباره قانع کرد که این فقط یک حادثه بوده است. در جامعه پوسیده آمریکا ملیونها تحصیل کرده وجود دارند که این سیستم را قبول ندارند و با عملکرد آن مخالفند. رفتن اوپاما به کلرادو این پیام را تداعی میکند که آمریکا در آینده نمیتواند بدو قشر مطیع تکنوکرات و بوروکراتها کاملاً تکیه کند.



- اگر سیاه پوست بودم اتهام مشارکت و همکاری با گروه های مواد مخدر بود
- اگر آمریکای لاتینی بودم اتهام یک مهاجر خطرناک بود که اجازه ورود به آمریکا را ندارد
- اگر یک مسلمان بودم اتهام تروریست بودنم بود و نه چیز دیگر
- من متعلق بهر سه گروه فوق هستم پس محکوم به مرگ



- من 12 نفر را کشتم و 71 نفر را زخمی کردم اگر مسلمان بودم آنها مرا تروریست خطاب میکردند



- اگر یک عرب بودم تیر اندازی من حتما یک اقدام تروریستی است
- اگر سیاه پوست بودم یک جنایتکار و کانگستر بودم

ولی من یک سفید پوستم
بله من یک سفید پوستم
آیا بیماری من هویتی نیست؟

م. راد (23.07.2012)